

کارگاه شعر



عاطفه رنگ آمیز

کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان

قابلیت های قالب چهار پاره

چهارپاره قالب مناسبی است برای سرودن اشعار ی با موضوعات اجتماعی و غنایی (شعرهایی که بیانگر عواطف و احساسات شخصی هستند). هر چهارپاره در واقع از کنارهم قرار گرفتن دوبیتی هایی به وجود می آید که معنای منسجم دارند با این تفاوت کلی که برخلاف قالب دوبیتی که مصراع اول نیز باید هم قافیه با مصراع های دیگر باشد، تنها هم قافیه بودن مصراع های زوج در هر بند از چهارپاره کفایت می کند. چهارپاره قالب نوتری از دوبیتی، رباعی و مثنوی است؛ به همین دلیل بسیاری از شاعران معاصر که به ارائه نگاه و زبان نو و امروزی در شعر علاقه مندند، این قالب متنوع را برای سرودن اشعار خود انتخاب می کنند به‌ویژه برای بیان روایت‌های اجتماعی و یا شعرهایی که دربردارنده احساسات و عواطفِ بسیار هستند. هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد، حمیدی شیرازی و... معروف‌ترین شاعرانی هستند که در قالب چهارپاره شعر سروده‌اند. در این قالب دست شاعر نسبت به قالبی مانند غزل در هنگام سرودن بازر است چرا که می‌تواند در هر پاره از شعر کلمات هم قافیه تازه‌ای را به کار ببرد. در ادامه با هم دو چهارپاره می‌خوانیم از «پریا خیاط مقدم» عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرستان قوچان. او از این قالب برای بیان محتوایی عاطفی و صمیمانه استفاده کرده و توانسته است انسجام معنی‌رادر تمامی بندهای این شعر حفظ کند.

چهارپاره‌اول

هو از تونفس دارد
مسیح شهر بارانی
اگر از راه خود گویم
تو آغاز و تو پایانی
ز شای هر نگاه‌تو
ز چشمم آینه نازل شد
بخوان از چشم من، خود را
کتابی تازه نازل شد
گمانم عطر گیسویت
به گلدان تنم پیچید
وریشه در نهالم زد
تنت از خاک من روید
بگوید خانه من را
هجوم ابر باران را
جوانه می زند آن نو
دوباره تو، دوباره ما

چهار پاره دوم

دوست دارم من ای آواز من
ای گذشته از نشیب سال‌ها
ای چراغ خانه خورشید من
ای فراتر از فراز حال‌ها
گر بیایی سهم من در جان من
سر فرودآم به پای بوندت
من بکارم لحظه‌های سبِز را
تا شود تازه‌های بوندت
برف، جاری می‌شود از شرم تو
کوه، سنگی می‌شود در مِشت تو
کم نیارم از زمین و از زمان
تکیه گاهی می‌شوم من، پشت تو

غلط نویسیم

اِثمار / اسمار

اِثمار [ʾasmar] جمع «ثمر» به معنی میوه هاست.
اسمار asmar جمع «سمر» به معنی داستان‌ها، افسانه‌هاست:
بعضی از آن کتب اسمار و حکایات [را] یافتم.

اِثم / اسم

اِثم [esm] به معنی «گناه» است:

به هر حال در طی این گونه رباعیات با الزام اغتمام وقت.... اهل این عالم را بر خلاف سیرت و فکرت خود به شادخواری و می پرستی که نزد خود او اِثم و فساد محسوب است تشویق کند.

بر گرفته از کتاب «فرهنگ درست نویسی سخن» تألیف استاد حسن انوری

فردوسی در سایه سار «سروباستانی کاشمر»

شاهنامه چه ماجراهایی را از این درخت آمیخته به اسطوره روایت کرده است؟



محمد بهمودی نیا

culture@khorasannews.com

اگر چه روایت‌های شاهنامه با اسطوره و افسانه در هم آمیخته است؛ اما آمیختگی یک اثر با اسطوره‌ها به این معنا نیست که این عناصر هیچ گاه در تاریخ وجود نداشته‌اند و بر این اساس، ما نباید شاهنامه فردوسی را کتابی سراسر ساخته و پرداخته تخیلات ذهنی حکیم توس بدانیم.

سرو باستانی «کاشمر» یکی از همین اسطوره‌هاست که برخی افراد از آن به عنوان درختی افسانه‌ای یاد می‌کنند. پیش از ورود به ماجرای سرو کاشمر و روایت های آن در شاهنامه و همچنین پرداختن به دلایلی برای اثبات واقعی بودن داستان سرو کاشمر، بد نیست داستان تاریخی سفر این درخت باستانی را از کاشمر به سامرا مرور کنیم.

■ سفر سروباستانی«کاشمر» به «سامرا»

در سال ۲۴۷ هجری قمری مصادف با آخرین سال خلافت متوکل عباسی، یکی از روزها درباریان از سرزمین خراسان سخن به میان می‌آوردند و در میانه روایت‌ها به متوکل می‌گویند در منطقه‌ای به نام «کاشمر» سروی باشکوه با قدمتی هزارساله وجود دارد و ایرانیان معتقدند این درخت به دست زرتشت کاشته شده است. متوکل به شدت مشتاق دیدن این درخت می‌شود؛ اما به جای این که به کاشمر سفر کند و این درخت باستانی را ببیند، دستوری عجیب صادر می‌کند و می‌

■ سرو کاشمر به روایت شاهنامه

بر اساس آن چه در روایت‌های تاریخی آمده به این نتیجه می‌رسیم که سرو کهن کاشمر (کاشمر) افسانه نبوده و گوشه‌ای از تاریخ کشور ماست. اگر چه این درخت باستانی قطع شد اما از ریشه‌های آن جوانه‌هایی روید و امروز این جوانه‌ها به سروهای کهن سال دیگری تبدیل شده است.

این سرو آن چنان عظمتی داشته که شاعران و نویسندگان زیادی در وصفش سخن‌ها گفته و شعرها سروده‌اند. دقیقی توسی از جمله همین

چگونه درباره اتفاقات ساده شعر بگوییم؟

نگاهی به کتاب «پلک زدن» سروده سعید پور یوسف



حیدر کاسبی

culture@khorasannews.com

«باید خوشحال باشم که شورا انگیز هنوز هست / و می‌توانم او را در نقشه‌های قالی ببینم / و هنوز هستند کسانی که / وقتی باران می‌خواهد ببارد / به آسمان و ساعتشان نگاه می‌کنند...» آندره ژید در کتاب مآنده‌های زمینی می‌گوید: «بگذار عظمت در نگاه تو باشد، نه در کوهی که به آن می‌نگری» و همین یک جمله دنیایی معنی در پی دارد. به نظر می‌رسد هنرمند امروز هم بیش از هر زمان دیگری دریافته که نگرش هنری باید بیشتر در زاویه دید او باشد تا در سوژه‌هایی که با آن‌ها درگیر است. این را هم درک کرده که برای خلق آثار هنری، ظرافت و شاعرانگی چیزی نیست که بیرون از نگاه او باشد.

■ هراتفاق، یک شعر

شاعر امروز می‌داند که حتماً قرار نیست شعر از دل اتفاق‌های بزرگ بیرون بیاید: «برگی جدا می‌شود از درخت / یک آن / اکتر به نوامیر بدل می‌شود / و برگ روی زمین می‌نشیند / هر اتفاق برای رخ دادن / چشم‌به‌را یک شاعر است» سعید پور یوسف در کتاب «پلک زدن» این موضوع را به‌خوبی درک کرده و تا دلتان بخواد این مجموعه

است. در بیان ریشه این کلمه نیز باید گفت پُشت به معنی پز، دژ، کوه، عقبه و گردنه است. پیشینیان ما به دامنه کوه بژ می‌گفتند و بر همین اساس، نام «بجنورد» در ابتدا «بژورد» بوده است.

این پژوهشگر ادبی خاطرنشان می‌کند: درباره کاشمر امروزی هم باید به این نکته اشاره کنیم که همان‌طور که گفته شد پیش از اسلام منطقه‌ای به نام پُشت وجود داشته که مهم‌ترین بخش آن کاشمر بوده است. کاشمر از شهرهای کهن سال خراسان بوده که اینک تبدیل به روستایی شهرک‌مانند با نام «علی‌آباد» کاشمر شده است. هنوز بقای این سرو تناور در این محل وجود دارد. در گذشته آتشکده‌ای بزرگ در این منطقه وجود داشته و به همین دلیل به قول فردوسی این محل کعبه زرتشتیان بوده است؛ اما امروز از این آتشکده هیچ اثری نیست. خلاصه این که بعد از ورود اسلام، ترشیز مرکز پُشت می‌شود که بعدها مغولان آن را ویران کرده‌اند. بعد از رفتن مغول‌ها، ایلخانان کاشمر را مرکز قرار می‌دهند و میل علی‌آباد کاشمر را بنا می‌کنند. در زمان صفویه در محل شهر کاشمر کنونی روستای بزرگی به نام سوسقد یا سوسفید بوده، که از زمان رضاشاه به بعد کاشمر نامیده شده است. استاد سیدی تصریح کرد: بنا به دلایلی که گفته شد، فردوسی تصمیم گرفته ماجرای سرو کاشمر را به روایت دقیقی در شاهنامه بیاورد؛

که برخی ابیات آن به این شرح است:
نخست آذر مهر برین نهاد

به کاشمر نگر تا چه آیین نهاد

یکی سرو آزه بود از بهشت

به پیش در آذر اندر بکشت

نیشتش بر آن زاد سرو سبهی

که پذیرفت گشتاسپ دین بهی

فر ستاد هر سو به کشور پیام

که چون سرو کاشمر به کیتی کدام؟

کنون هر که این پندمن بشنود

پیاده‌سوی سرو کاشمر روید

همه نامداران به فرمان اوی

سوی سرو کاشمر نهادند روی

پرستشکده گشت از آن سان به‌پشت

به پُست اندر او دیوار زد دَهشت

بهشتش بخوان اندرانی همی

چرا سرو کاشمرش خوانی همی

چرا که‌ش نخوانی نهال بهشت

که‌ش گیانش به کاشمر بکشت

■ در گزارش‌های آینده خراسان بخوانید

در سلسله گزارش‌های نامجای‌های شاهنامه با مراجعه به کتاب «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» اثر سید مهدی سیدی فرخند، تا امروز به معرفی محل‌های مختلفی در خراسان پرداخته‌ایم که از آن جمله می‌توان به کشف‌رود، آذر د کوه، دره‌آل، چشمه‌سو، بقمچ، کلات، سرخس اشاره کرد. در هفته‌های آینده نیز به سراغ شهرهای نیشابور و کاشمر همان ترشیز، پُشت و پُست است، در حالی که این‌گونه نیست بلکه به‌طور کلی در گذشته این منطقه به نام «پُشت» معروف بوده می‌کنیم.

■ «کاشمر»، «پُست» یا «ترشیز»

استاد سیدی در ادامه در تشریح جغرافیای کاشمر می‌گوید: برای اثبات وجود سرو کاشمر در خراسان ما باید حتما سابقه جغرافیایی این دیار و سابقه تغییر نام‌ها را بدانیم، زیرا درباره جغرافیای کاشمر و سرو کاشمر اختلافات فراوانی وجود دارد. برخی بر این باورند که کاشمر همان ترشیز، پُشت و پُست است، در حالی که این‌گونه نیست بلکه به‌طور کلی در گذشته این منطقه به نام «پُشت» معروف بوده می‌کنیم.



است شعرش را هم از دل همان پروژه‌های ساختمانی‌اش بیرون بکشد و آن چیزی را روایت کند که زندگی می‌کند. یکی از ویژگی‌های سعید پوریوسف این است که بی‌پروا بودن این که نگران بیرون زدن کلمه از متن شعرش باشد، خودش را روایت می‌کند: «می‌خواهم چیزی بنویسم / و نگران این نباشم که از متن بیرون بزند / بیاید و کاری کند / از جرتقیل و یک قرقره استفاده می‌کنم / از درخت و پرند / تا اگر در فضای باز نشسته‌اید / زندگی را تحسین کنید...» او حتی از نشستن در خودروی شخصی‌اش شعر می‌آفریند: «آفتاب، روی داشبورد / طلسمی که چشم‌هایم را قفل کرده بود / ترمز دم‌جلوی دک / دستم نمی‌رود / دستم به دستگیره نمی‌رود...» پوریوسف نگاه ساده اما عمیقی به همه چیز دارد و همین نقطه قوت مجموعه شعر اوست. شاعر در مجموعه «پلک زدن» خودش را چیزی فرایا فروتر از مخاطب یا بهتر بگوییم جدای از مخاطب نمی‌بیند و همین به برقراری ارتباط هر چه بیشتر او با شنونده کمک کرده است: «اصلاً نمی‌دانم / فکر آمدن / و زندگی در شهر / از کجادر سرم افتاد / واقعا درست است / که در یک رستوران هشت ضلعی / دانی کجا بنشینم / از هر پنجره کوچک بترسی / وقتی ساختمان‌های کله‌خر انشانت می‌دهد»

«پلک زدن» اولین مجموعه سعید پوریوسف است که در سال ۹۸ توسط انتشارات «آرآدمان» منتشر و برگزیده جایزه شعر خبرنگاران شده است.

■ مهندسی شعر به زبان ساده

از الهام‌های گاه‌وبیگاه که بگذریم، در دنیای امروز کمتر نویسنده‌ای به شکل حرفه‌ای به شغل شریف شاعری مشغول است؛ یعنی مثلاً همزمان با این که مهندس عمران

فرهنگی هنری

آغاز پیش فروش بلیت‌های جشنواره تئاتر فجر



پیش فروش بلیت نمایش‌های صحنه‌ای چهل و دومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در سایت «گیشه تئاتر» آغاز شد.

به گزارش ایران‌از اداره کل هنر‌های نمایشی، پیش‌فروش بلیت نمایش‌های صحنه‌ای چهل و دومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ساعت ۱۰ صبح امروز (پنج‌شنبه ۲۸ دی) برای علاقه‌مندان و مخاطبان تئاتر آغاز شد.

علاقه‌مندان را برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت «گیشه تئاتر» مراجعه کنند.

چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به ریاست کاظم نظری و دبیری مهدی حامدسفایان، از ۲۷ دی تا ۱۲ بهمن ۱۴۰۲ در تهران برگزار می‌شود.

برگزاری نشست شعر خوانی «بمب بادبادک نیست»



نشست شعرخوانی شاعران کودک و نوجوان در حمایت از کودکان مظلوم غزه و گرانی داشت شهدای کرمان برگزار می‌شود.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، «عصر شعر غزه و شهدای کرمان» با حضور مدیران ارشد کانون پرورش فکری و چهره‌های برتر شعر و ادبیات کودک و نوجوان برگزار می‌شود.

در نشست «بمب بادبادک نیست» در کنار شعرخوانی شاعران با موضوع کودکان مظلوم غزه و گرانی داشت شهدای کرمان، مراسم پایانی مسابقه «دوست فلسطینی من» نیز برگزار خواهد شد.

مسابقه نقاشی و نامه‌نگاری «دوست فلسطینی من» با هدف تقویت حس انسان‌دوستی و همبستگی با کودکان فلسطینی، تحکیم روابط و ارتقای دوستی و ایجاد فضای همدلی با کودکان فلسطینی برگزار می‌شود.

نشست شعرخوانی «بمب بادبادک نیست» روز شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲ ساعت ۱۵ تا ۱۷ از سوی مدیریت آفرینش‌های ادبی و هنری کانون در سالن کنفرانس مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در خیابان حجاب برگزار می‌شود.

انتصاب دبیر کارگروه شورای پاسداشت زبان فارسی



معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، هادی خورشایان را به‌عنوان دبیر کارگروه شورای پاسداشت زبان فارسی منصوب کرد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، در حکم‌یاسر احمدوند خطاب به هادی خورشایان آمده است:

«با توجه به توانمندی، دانش و تجربه سال‌ها فعالیت ادبی و فرهنگی به‌عنوان دبیر کارگروه شورای پاسداشت زبان فارسی منصوب می‌شوید. این شورا مستند به قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه وظیفه هماهنگی، نظارت، ارزیابی و سامان‌دهی را در موضوع پاسداشت زبان فارسی به عهده دارد. انتظار می‌رود با توجه به تأکید وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی از همه ظرفیت‌های داخل و خارج وزارتخانه برای تحقق اهداف تعیین‌شده در این قانون بهره‌گرفته‌شود.»

هادی خورشایان دارای تالیفات متعددی در حوزه‌های ادبیات کودک و نوجوان، شعر، ادبیات داستانی، ترجمه، نقد ادبی، نمایشنامه و فیلمنامه است.

پیش از این مهدی نجفی، عهده‌دار این مسئولیت در معاونت امور فرهنگی بود.